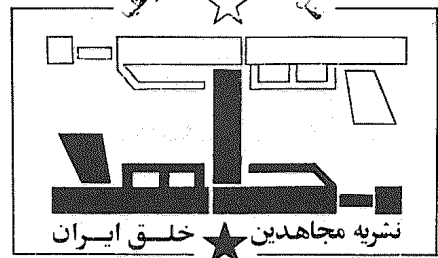


چگونه ممکن است حزبی که در کشور خود - گامگی و قدرت طلبی خود، رسالت اصلی اثر را در فتنه انگیزی و دسیسه چینی علیه انقلاب و نیروهای انقلابی یافته است، بالاخره رسوا نشود و نقاب عوام فریبی و اسلام پناهی از چهره اش برداشته نشود؛ مگر آنکه بگوئیم کار این جهان بدون حساب و کتاب است.
پس وای بحال آنهایی که دین را وسیله دنیایشان ساخته و قیامش روی خون شهداء روان است.



سال اول - شماره ۹۳ - شنبه ۳۱ خرداد ۱۳۵۹ - شماره ۱۰ رسال

در این شماره:

- ادامه‌ی بازداشت غیر قانونی نمایندگان رسمی مجاهدین خلق - مرکز بالسر
- مسلمانان بداد مجاهد سپید اجد عزیز
- مصاحبه‌ی با خانوادگی قربانیان فاجعه سینما رفس آبادان
- در سپهسناها خدی می‌کدرد...!
- سوال از
- ریاست محترم مجلس شورای ملی

متن نوارهای اول و دوم سخنان دکتر آیت عضو هیئت مؤسس، عضو شورای مرکزی و دبیر سیاسی حزب جمهوری اسلامی

حزب جمهوری اسلامی

کیف طرحهایی که برای آینده‌ی ما ترسیم می‌شد است، آگاه گردید. در این رهگذر همجین اهمیت حیرانی که در فاجعه‌ی کربلا از سوط شاه شکل گرفت و از آن بعد سروسخت‌ترین ستم‌ها را به بازی گرفت و تمامی اثرهای مقدس را و جانگمال‌های احاطه‌طلبی - غایتش نمودار غلغله خواهد شد. در صفحه ۴۰۳ و ۲

برخوردار است. از این رو لازم امید که ما بررسی همه جاسد و بدیدیم متن این دو گفتگو را که دقیق آن، مردم ما از عمق دجایی تاکنون افشا شده نقل کنیم. به این که برای ما میهن گذشته و نیز از کم و

از بسیاری جریان‌ها گذشتند و طرح‌ها و نقشه‌های آینده در مورد جامعه‌ی ما برمی‌دارد، از اهمیت ویژه‌ی

عضو موسس، عضو شورای مرکزی و دبیر سیاسی حزب جمهوری اسلامی (صرف نظر از سابق سیاسی‌اش) پیرده

آنچه در زیر می‌خوانید متن بی‌ساده شده‌ی دو مورد از گفتگوهای دکتر آیت است که در روزنامه‌های چهارشنبه و پنجشنبه هفتگی پیش‌تحت عنوان نوار اول و دوم سخنان او منتشر شد.
دکتر صحبت‌های دکتر آیت به لحاظ موقعیتش به عنوان

در حاشیه‌ی استعفا‌ی سرپرست رادیو تلویزیون حکومت ایلخانی در رادیو

• ایلخانان "رادیو به سلطه‌ی خود دلخوشند و فکرمی کنند که هر مرکز حرفی را می‌توانند در پوشش صدای جمهوری اسلامی به خورد مردم بدهند!

خود را برای سرک در بحث می - خواستیم عنوان کنیم، اما آنجا که می‌رسد که هنوز حسن دعوی که با اطلاع اسان صورت گرفته باشد، انجام شده...
و در همانجا سید که در "آقای دگر فراخی که خود پتیز" بنیاد رصحه‌ی ۲

در رابطه‌ی دعوت مجدد رادیو "اویلا" رادیو هرگز ما از مجاهدین برای مظهری رادیویی کتون حاضر نماندیم که جوانی که همراه ما نهایت فرصت‌طلبی و مجاهدین را بر برابر ساسی‌های ساسی‌ها، نگذارند، در سطنتان دادایی متکبر که مجاهد سازه‌ی ۱۲ بحث عنوان سئول این کالگ ترفات کند...
"سئول خود سزی‌های راه‌یو گس؟" مانا "در ساس محدودی که ما از قول سخنگوی مجاهدین حسن نقل آقای دکتر فراخی مدیر عامل رادیو تلویزیون گرفته و حسن آمانادی کردیم:

در فاجعه‌ی حمله‌ی انجمن جوانان مسلمان تربیت حیدریه منازل هواداران جماعت‌داران از تجاع روی اقوام و حشی مغول و قاتار را سفید کردند!

گزارشی از دیدار خانواده‌های مصیبت‌دیده‌ی تربیت حیدریه با برادر مجاهد مسعود رجوی بدنیال تهاجت وحشیانه‌ی

استمداد از امام

آن چند روزی می‌خوانید قسمت - های از چند نامه است که بدوسله‌ی عدای از خواهران هوادار سازمان در اراک به محضر حضرت آیت الله العظمی امام خمینی، نگارش یافته است. در این نامه‌ها خواهران ما به شرح ماجرای یکی از دشمنانترین و بی‌شمارترین موارد چماداری‌های اخیر که مربوط به واقعه‌ی فلتی اوباش "انجمن دانش آموزان مسلمان اراک" می‌باشد، پرداخته و حتی‌جاها ضرب و جرح‌هایی را که طی حملتی وحشیانه به این انجمن در تاریخ ۳۰ اردیبهشت، سست به آنها روا داشته شده، بر شمرده‌اند. خواهران محترم ما در نامه‌های خود به پیشتاه امام دادخواهی کرده و از ایشان تقاضا

کردند، که به خاطر سحات اسلام و دستورات لازم را برای جلوگیری از خونریزی‌های بعدی این اوباشی تدارک‌یافته که واقعا "روی فحاشی" داران آریامبری را سفید کرده‌اند، صادر فرمایند.
(متن کامل نامه‌ها به دفتر امام ارسال شده است.)
بدر کرامی، حضرت آیت الله! علی خود یک دختر دانشجو مدرسه‌ی عالی علوم اراک همس... در جریان سلفه‌ی عدای اوباشی دفتر جوانان مسلمان در اراک وفاقی بین آمد... و در آن صلا صدایی به خود من سر وارد آمد. می‌خواهم از آن بدر کرامی برسم که آیا در یک بنیاد رصحه‌ی ۲

سوال از دادستان کل انقلاب

در باره‌ی بازداشت غیر قانونی اعضای انجمن میناق چرا دادستانی انقلاب تا این ساعت هیچ اقدامی در جهت آزادی ۱۶ تن از اعضا، انجمن جوانان مسلمان میناق، که در جریان حمله‌ی وحشیانه‌ی ساد منقعه‌ی ۱۲ به دادستان انجمن در ساعت ۳/۵ نیمه شب، و بدون در دست داشتن حکم دادستانی و پس از ایراد ضرب و جرح‌های متعدد، دستگیر شده‌اند، بعمل نیاوردند؟ آیا سگوت و بی‌تفاوتی شما در قبال این دستگیری غیر قانونی و عدم رسیدگی به شکایات متعدد مربوطه، مفهومی جز همونایی با اقدام غیر قانونی و غیر اسلامی گمبته‌ی می‌زور می‌تواند داشته‌باشد؟

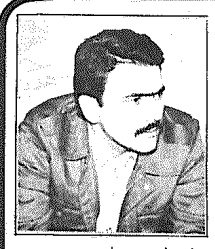
سرمقاله:
عقوبت و عبرت

"و اذا الصحف نشرت...": و آن‌گاه که نامه‌ی اعمال گشوده شود.
(تکویب ۱۰)
"یوم تبيض وجوه و تسود وجوه...": روزی که چهره‌های سفید و رو‌های سیاه شوند... (آل عمران ۱۰۶)

در جریان انقلاب و مشخصا پس از پیروزی قیام و سرنگونی رژیم شاه حزب بازی و حزب سازی یکی از پدیده‌هایی بود که در عرصه‌ی سیاسی این مبین رخ نمود. در جو و فضائی که به قیمت خون دهها هزار شهید بدست آمده بود، در شرایطی که دیگر از ساواک و پلیس و ارگانهای اختفای و سرکوب شاه خبری نبود و در نتیجه حزب و تشکل برآمدند، این مبین در میان حزب جمهوری اسلامی با در دست داشتن تقریبا تمامی اهرم‌های قدرت در جامعه عملا بصورت حزب حاکم درآمد و صحنه‌ی سیاسی جامعه را میدان ترکانه‌ی خود گردانید...
البته بدیهی است که تشکل و حزب بخودی خود هیچ عیب و ایرادی ندارد اما آنچه که مهم است انگیزه‌هایی است که حزب و تشکیلات بر اساس آنها بنا می‌شود و راهی که در پیش می‌گیرد. عاقبت و سرانجام کار هر حزب و تشکلی است که همین انگیزه‌ها و عملکردهاست که تعیین می‌کند. هر پدیده‌ای و منجمله هر حزب و تشکلی است که از خلال همین عملکردهاست که ماهیت وجودی خود و واقعیت‌نگیزه‌هایش را آشکار می‌سازد و سروسخت خود را رقم می‌زند و بسا که پند و عبرتی بنیاد رصحه‌ی ۲

سوال از دادستانی کل انقلاب

در باره‌ی نشریه‌ی منافع چرا با آنکه ما برخی اطلاعات لازم را در مورد منافع افشاء نمودیم و منجمله کارگردانان اصلی و پشت پرده و نیز عاملین اجرایی و یا چاپخانه‌ی آن را معرفی کردیم، دادستانی کل انقلاب انتشار غیر قانونی این نشریه‌ی ضد انقلابی را به دیده‌ی اغماض می‌نگرد. آن هم در شرایطی که مطابق همین قوانین موجود (که علی‌الفا عده می‌بایستی از طرف دادستانی محترم سمرده شود) وزارت ارشاد ملی انتشار آن را رسا "غیر قانونی اعلام کرده‌اند.
امیدواریم دادستانی انقلاب و سایر مقامات مسئول به این وظیفه‌ی خود بذل توجه نمایند تا نگویند...



در پی انتشار نوار اظهارات دکتر آیت در مطبوعات کشور، عصر چهارشنبه خبرگزاری پارس ضمن تماسی نظر برادر محترم مسعود رجوی را در این رابطه جویا شد.
متن زیر پاسخ برادرمان به سوال فوق می‌باشد که ذیلا بطور کامل نقل می‌شود:

پاسخ برادر مجاهد مسعود رجوی به سؤال خبرگزاری پارس در رابطه با اظهارات دکتر آیت
به نظر من هرگز نباید به این وانمود کند، ابعاد آن را تنها به یک ساله جنبه‌ی فردی داد. و چنان‌که فرد تنها ختم نمود، خبر، هرگز کند! جریان خود آقای آیت می‌خواهد حسن نیست. چرا که جریانات

توجه!
تاکنون مقالات ایدئو-لوزیک را روزهای پنجشنبه و شنبه چاپ می‌کردیم. لکن به علت نزدیکی فاصله و پشت سرهم قرار گرفتن این دوروز، از این پس، این مقالات روزهای پنجشنبه و دوشنبه از نظران خواهد گذشت. بنابراین مقاله‌ی "مردم‌گرایی توحیدی و مردم‌گرایی میندل" را در این شماره چاپ نکردیم و در آینده نیز روزهای دوشنبه چاپ می‌شود.

ارجاعی و تاورست، بیوسد آبادگی دارند، ما در لحظات اضطرار یک نفر را درست شبیه یک مهربور، برای نجات کل حوسان قربانی

عقوبت و عبرت

برای دیگران می‌گردد. البته این "سرنوشت" و "عاقبت امر" بر اساس انگیزه‌ها و مبانی "انحاز شده و در پی عملگردها"ی ناشی از آن بطور جبری و محتوم تعیین و مشخص می‌گردد و هیچ گزیری هم از آن نیست. ماهیتا بهر حال بروز می‌کنند و با هیچ سیاست یا زبویا حفظ نمی‌شوند. و همین‌گاری نمی‌تواند بی‌اثر باشد. از آن جلوه گرفت. و بدین ترتیب در پهنی حرکت اجتماعی هر دسته و گروهی به نتیجه اعمال خود رسیده و پاداش یا عقوبت عملگردهای خود را می‌چشد و این مثبت خدا، حکم تاریخ و منطق محتوم حرکت جامعه است. "الم یا تمم نبوا الذین کفروا من قبل فذاقوا وبال امرهم و لهم عذاب الیم" (تخاین آیه ۵).

در رابطه با حزب عملگردهای خود را می‌چشد و این مثبت خدا، حکم تاریخ و منطق محتوم حرکت جامعه است. "الم یا تمم نبوا الذین کفروا من قبل فذاقوا وبال امرهم و لهم عذاب الیم" (تخاین آیه ۵).
 حزب بخودی خود نمی‌تواند مورد ایراد و ملامت باشد. گرچه همیشه جای این سوال باقیست که چرا موسسین و پایه‌گذاران عمدی این حزب (این مدعیان انحصاری خط امام!) قبلا یعنی در زمان رژیم سابق و بخصوص بعد از خرداد ۶۲ و تبعید امام، با تشکیلات نیفتادند و حزب و سازمان و گروهی تأسیس نکردند؟! اما سالی مهم در اینجا نیز توجه به عملگردها، انگیزه‌ها و علل وجودی این حزب و جریانی است که در مدت موجودیت چهاردهم‌هاهی خود طی کرده و موفقیت و وضعیتی که اکنون بدان دچار شده و سرنوشتی که در پیش دارد چرا که به قول شاعر:

باش تا صبح دولتت بدمد
 البته باز مہم این نیست که حزب جمهوری خود در چه وضع و موقعیتی قرار دارد و به کجا می‌رود بلکه مهمتر این است که این حزب (با توجه به موقعیتش) در این مدت با جامعه و مردم، چنگار کرده و قصد دارد این جامعه و مردم را بکجا ببرد؟

اکنون ۱۶ ماه از پیروزی قیام بهمن‌ماه و تقریباً ۱۴ ماه از موجودیت حزب جمهوری اسلامی می‌گذرد و در این مدت چنانچه گفتیم این حزب در واقع بصورت حزب حاکم درآمده و بنا بر این نقش و تأثیر تعیین کننده‌ای در جریان امور ایفا کرده است. نقش و تأثیری که غالباً و عموماً بازدارنده و منفی و حتی ویران کننده بوده و تنها و تنها یک خط و هدف را دنبال کرده است: "قدرت جویی انحصارطلبانه".

در مدت ۱۶ ماه این مردم و این میهن از شارتها، ناامنیات و حوادث چنانچه رنج بردند که عموماً از عملگردهای آشکار و پنهان همین حزب ناشی می‌شود. و تازه معلوم نیست که در ادامه این جریان ملت محروم و خلق ستمدیده‌ها چه تاوان و بپای می‌سیند یا باید بپردازد. اینک با فاش شدن پارامی از اظهارات پنهانی دبیر سیاسی حزب حقایق چندی برای مردم روشن شده است. البته ناگفته نماند که فقط گوشه‌ای از پرده کنار رفته، با اینهمه حقایق آشکار شده، چنگار و قابل توجه است و نمی‌تواند مردم را به کانون واقعی فتنه حسادت و توپخانه رهنمود شود و روشن گرداند که چه دست‌هایی در پشت پردی ناسامانها و ناآرامیها از انقلاب فرهنگی کذافی گرفته تا چماقداری و تا ماندن از ثبات سیاسی کشور مشغول فعالیت بوده و می‌باشند و البته باز هم این هنوز از نتایج سحر است.

اینک بدینی است که حزب دچار دردرس و موقعیتی ناگوار و بحرانی شده و به انحصار مختلف سنی می‌نماید خود را از این مخیم برهاند. فردی کردن ساله و احیاناً قربانی کردن یک نفر (دبیر سیاسی حزب) و یا به میان کشیدن یک طرف ثاگت و کوبیدن آن و بدینوسیله انظار و افکار را از این ساله منحرف و متحرک نمودن و به جانبی دیگر متوجه کردن، پیش پا افتاده‌ترین روش است. اما به فرض که حزب در همان امر موفق یا ناموفق بشود چندان مسائلی حل نخواهد شد باید به همان مبانی و پایه‌ها توجه نمود و به چهارچوبی که حزب در درون آن سیر می‌کند. در چهارچوب انحصارطلبی قدرت‌درا نه، منافع جامعه و انقلاب را فدای منافع فردی و گروهی کردن، ضدیت با نیروهای انقلابی و توپخانه مدام علیه آنها را نایه حیات و حرکت خود قربان کردن، برای رسیدن به هدف هر وسیله‌ای را مجاز شمردن و در پیش گرفتن روش زور و تزویر... با حرکت در چنین چهارچوبی این وضع (وضع کنونی حزب) فقط یک عقوبت است و عقوبتهای بیشتر در پیش هر اینکه عبرتی گرفته و چهارچوب حرکت را از اساس تغییر دهند اما فلسفه که به قول امام علی علیه‌السلام: "ما اکثر الجبروت و الا اعتبار!" عبرتیا چقدر زیاد و عبرت گیرنده چقدر کم است.

حکومت ایلخانی در رادیو

از انجام این گونه اعمال خودسرانه در رادیو فوق‌العاده ناراحت می‌نمودم در برابر این سؤال ما که پس تکلیف مجاهدین با این دعوت‌نامه‌های مکرر رادیویی و سمبائی‌های ضد انقلابی چیست و چه باید کرد؟، سکوت اختیار نمود و گفتند که مواضع خود را در قبال وضعیت موجود در رادیو-تلویزیون بعداً" در برابر ریاست - جمهوری روشن خواهد نمود... هنوز چند ساعتی از این نقل قول نمی‌گذشت که روزنامه‌های عصر چهارشنبه استعفا استعفا رادیو-تلویزیون خبر دادند، سرپرستی که با تأیید امام این مسئولیت را عهده‌دار شده بود.

اگر چه نفس این استعفا در اوضاع و احوال کنونی حتی بدون هیچ توضیحی بی‌نواست، موبد حقایقی باشد که به‌ویژه در رابطه با رادیو مطرح می‌گردد، اما منحصراً استعفا نامی آقای فراخی موضوع پرده از حکومت ایلخانی در رادیو برداشت. بهتر است عین استعفا نامه را یکبار مرور کنیم:

من استعفا نامه می
 سرپرست رادیو-تلویزیون

بسم اللہ العلیم الخیر
 مقام محترم ریاست جمهوری
 جناب آقای دکتر باهنر بنی صدر!
 با قبول مسئولیت اداره‌ی صدا و سیما جمهوری اسلامی ایران بسیار کوشیدم، که از هر امری که برای شروع کار و به حرکت انداختن چرخ سازمان، منجر شود و به مزه‌دهایی-کننده و جمع‌ناامی و ولی از آنجا که عموماً "هر کدام از این امرها در اختیار مرکز قدرتی بود که در درون

ادامه‌ی بازداشت غیرقانونی نمایندگان رسمی مجاهدین خلق - مرکز با بلسر

بیش از سه هفته از دستگیری غیرقانونی محسن قاضی و یوسف بابانیا می‌گذرد.
 این برادران که در روز جمعه ۳/۹ بعنوان نمایندگان رسمی مجاهدین خلق ایران - مرکز با بلسر برای مذاکره با دادستان این شهر به مقر سیاه پاسداران رفته بودند، پس از مذاکره و در هنگام بازگشت، توسط هادی غفاری دستگیر و سپس توسط شخص ایشان در مقر سیاه آمل و بین راه مورد شکنجه و ضرب و شتم قرار گرفته و در روز شنبه ۳/۱۰ به زندان اوین تحویل داده شده‌اند. از آن تاریخ تاکنون علیرغم مراجعات مکرر خانواده‌ها و پیمان و همچنین نمایندگان مجاهدین خلق ایران شاخه‌ی مازندران به مقامات، همچنان ایشان نیز گه‌نگاشته و مورد رسیدگی فوری به این مسئله نظر خود را در دادستانی کل انقلاب اسلامی در

بایستم و دست راستم کبود شد. حرف‌هایی به من و سایر خواهران زندگ که من شرم دارم از بیان کنم. درست مانند همان کارهایی که ساوک در زمان طاغوت با انقلابیون می‌کرد...
 ارک - (الف. م.)
 پدر بزرگوار! هنگامی که جفاقداران به انجمن دانش‌آزموزان مسلمان حمله کردند، تهمت‌هایی نشر ما کردند که از بازگو کردن آنها شرم دارم، ولی اگر به شما نگویم پس چه کسی باید بگوید آری پدر! مارا فاحشه خطاب می‌کردند!
 آخر دست ما چه کرده بودیم؟ جز ابراز عقیده؟ اگر حق گفتن عقیده‌مان را هم نداشته باشیم، پس برای چه انقلاب کردیم؟ پس چون هفتاد هزار شهید چه می‌شود؟ من از شما خواهش می‌کنم دستور دهید جلوی این اعمال ضد مردمی بایگرند...
 ارک - (ح. ع.)
 سلام، سلام ای پدر - سلامی! با یاد...
 ارک - (الف. ش.)
 پدر بزرگوار! حضرت آیت الله! در جریان حمله‌ی جفاقداران به ما در ایالت حتی جادر مادرهایی را هم که برای کمک به فرزندانمان آمده بودند، از سر آنها کسیدند و با کمال بی‌شرمی، گفتند: که در محل انجمن دانش‌آزموزان مسلمان اکتربریسد - بارداری پیدا شده! آخر این شکایاتمان را بنگاه ببریم؟ چگونه است که ما هم در نظام پهلوی در معرض تهاجمات این اوباش جفاقدار بودیم، و هم در نظام جمهوری اسلامی؟!
 ارک - (ف. ق.)
 خدمت پدر عزیز و گرامی! هنگامی که به انجمن دانش‌آزموزان مسلمان ابرک حمله کردند، از این هیج اهاات و ضرب و شتمی بر علیه خواهران آجا دروغ پخش کردند. خود من را آن قدر ضربه به کرم زدند، که تا مدتی نمی‌توانستم

استمداد از امام

مردم بخواهید که جلوی اعمال زنت را به خودساز بدهد. که به نام هواداری از اسلام جادر از سر زنت مسلمان استمداد من از حضرت امام ایستد که هرچه زودتر بیانهای صادر نموده و از طریق رادیو تلویزیون این اعمال را محکوم نماید.
 ارک - (الف. ی.)
 محضر حضرت آیت‌الله العظمی انجمن دانش‌آزموزان مسلمان حمله کردند، من شاهد بودم که اوباش حاکم‌ها و برادرانمان، نفس‌ها و اهاات‌ها می‌کسیدند و روستی را از سر زنان می‌کسیدند و حرف‌های زنتی می‌زدند که من به خدا از نوشتن آنها شرمگین می‌شوم. از حضور شما استمداد می‌کنم از

هر دم از سوردار انحصارطلبی آنان خار و حسی می‌رود تا سر ستر انقلاب فروسنده و آن را بین از بیس مجروح سازد...
 اما مرتجعین از درک این حقیقت عواره عاجزند که نفس سلطه آنان بر هر ارگانی از جمله بر رادیو مالا مشروعبت و دوام آنان را تضمین خواهد کرد. چرا که اگر قرار باشد همان سمبائی گذشته، این باز تخت لواء صدای جویوری اسلامی انجام بگیرد، بدون شک پاسخ طبیعی و فوری این اعتدالی مردم خواهد بود، اگر چه برای چند صاخی دور، دور انحصارطلبان باشد. اما وقتی از گوشه و کنار "تی" شان در آمد، دیگر هیچ اسم و عنوان مقدسی هم آنان را نجات نخواهد داد. هر روز که می‌گذرد این واقعیت بیش از پیش اثبات می‌شود که هیچ چیزی به اندازه همین عملگردهای ارتجاعی و ضد مردمی و همین ضدیت های بیارکونه علیه مجاهدین، اهایت انحصارطلبان را در هر وضع و منصبی که باشند- روش نمی‌کند؛ به خصوص که هر روز هم "دم حروسی" از آنها هویدا می‌شود و آنان را بیشتر رسوا می‌کند.
 استعفا اجباری سرپرست رادیو-تلویزیون (در کنار سایر استعفاها) بیس از بیس این ساله‌را روشن کرد که مشکل جامعه‌ی مل-بر خلاف سمبائی‌های رادیو-مواضع مجاهدین نیست؛ بلکه قدرت ملی، انحصارگری، کارکنی و در جوهر همه‌ی اینها، خواب و خیال‌های توپخانه‌رانی مرتجعینی است که رد-بر بیان در هر فتنه و فسادتی که در جامعه ما می‌گذرد، قابل بی‌گویی است؛ همانی که مجاهدین را دشمن اصلی می‌دانند اما در عین حال از هر فرد یا نهاد دیگری هم که در برابر انحصارطلبی آنان مقاومت کند خصومت می‌ورزند تا آن که آن را از سر مایه‌ها بردارند. و تا نشاء و آو این که

بازداشت‌های غیرقانونی، و همچنین شکنجه بازداشت شدگان را می‌دهد؟

مگر قانون اساسی می‌تواند مجاهدین بازداشت شدگان را غیرقانونی ندانند است؟ چرا علیرغم تذکر استاندار مازندران، معاون سیاسی ایشان و همچنین آقای طباطبائی دادستان کل مازندران ساله رسیدگی به بازداشت غیرقانونی این برادران در دادستانی کل انقلاب اسلامی تهران متوقف می‌ماند؟ اگر این برادران به راستی متهم هستند و دلایل و مدارکی علیه ایشان وجود دارد، پس چرا هیچکس رسالت‌انجام آنها را بلاغ نمی‌کند. آیا "زند انقلاب" برای این بوجود آمده است که نمایندگان رسمی یک سازمان سیاسی را به هنگام مذاکره کونه دلپلی در این "زندان" درحال بازداشت نگه دارند؟

از عمق قاجاجی بس عظیم و سلاخی از قلب جنون انقلاب بپتو ای پدر، عالی دامن چگونه تقسیم نوانائی وصف این قاجحه را که بر سر نمل انقلابیان برده و هوادار ساده‌ی سازمان مجاهدین هستم. چند بیس عدلی با شعار "حزب فقط بزرگواران" رهبر فقط روح‌الله" با جوب و جاتی و. برات سگ و سرهای به انجمن اراک، حطه کردند و من نیز مورد حطه قرار گرفتم...
 پدر! مگر نه ایستد که انقلاب با یک انقلاب اسلامی است، چرا اجازه می‌دهند که اوباش جفاقدار این چنین از نام شما و "الله" سوء استفاده کنند، در حالی که ما در استفاده از نام و عنوان شما حسین می‌شویم، اگر کس سلمان نیستید، لافقل آراذه باشید.
 ارک - (الف. ص.)
 پدر بزرگوار! امام خمینی،

متن نوآرهای اول و دوم سخنان دکتر آیت عضو هیئت مؤسس، عضو شورای مرکزی و دبیر سیاسی حزب جمهوری اسلامی

• بنی صدر

هوچی گری می کند!

مقدمه صحبت

اصولا قرار شده ما بین ما را از ساعت ۱۰ به بعد بگردند. مخاطب: گفته بنی صدر بر آمدن ۱۹۶ آمریکا به ایران... می کند. آمریکا چند نفر را فرستاده احتیاجی ندارد، از کجا فهمیدند! از آمریکا به آنها تلفن کردند! چون ما که دستگاه خصوصی نداریم... از کجا می فهمند که آنها چند نفر فرستاده دارند بنا باشد دستگاه جاسوسی فلسطینی ها، عربی... یا اجناس نوری خرید دهند کاتیا مستقیما خودشان خبر می دهند. این حرفها که بنی صدر می زند بیجانگانه است.

کرن، نمی گذارند بیائید آنجا کمونیتها که مطلقا، می ماند مجاهدین که عنوان اسلامی دارند به خوشان، آنها عملا جلیستان را می گیرند و نمی گذارند این طور اسلام را به این ترتیب... دانشگاهها به این صورت فعلی باید تعطیل نبود و برنامه های آینده کارهای عملی در رابطه با مردم و در زمینه ایمنی - لوری و اسلامی کردن این کلیات مساله است.

• چگونگی

پیدا ه کردن طرح

ما به چه شکل، این شاید یک هفته یا دو هفته و باید هم بعد اعلام بنویس یا چند روز قبل. منضم اینست که امام در زمینه ایمنی فراخی نوشته بود بعد... و یک مساله ای است که امام یک نامه نوشته بود... حالا اگر این نامه را برای تفریحی نوشته بود بعد است یابیک دیگر نوشته بود، تفریحی جزو باند بنی صدر است و آدم کاری نیستاگر امام این نامه را نوشته باشد یک معنی می دهد اما اگر یک کسی دیگر نوشته باشد توی لندن و کتابه زیاد است.

• ضدیت با بنی صدر

(در مورد گفته بهشتی در روزنامه) بنی صدر در کل، نظرها با من است منظور خدمت است، اول کار که این جریان شروع شد دکتر بهشتی یا خامنه ای دیگران (می) بندها شدند که اینجا آدم های بودند که می توانستند در خط امام باشند و حتی مدتی را فکر می کردند در این خط باشد بنی صدر چیه می طس... اولین کسی که از نزل از انقلاب و حالا حتی دقیقا از موقع من است و صریحا این مسائل را عنوان کردم که اینجا خط امام نیستند و اینجا جدا هستند و شما نمی توانید با اینجا بکشان کنید. حتی موقعی که داشتم حزب جمهوری را علنا پایه گذاری می کردم قبل از انقلاب چیه می اینها فکر می کردند بیجا، بازگاری، بنی صدر، سخنجایی، مدتی همه قابل همکاری هستند حتی مطرح می کردند حاج سیدجوادی... من من آن زمان اول گفتم اینجا نمی توانست با شما همکاری کنند اگر دعوتشان کنید به همکاری، بیایند کار از آن دست شما می گیرند و خراب می کنند و نمی گذارند. ولی اینجا قابل قبول نبود مساله ها به تدریج که یک مقداری آدم های برای اینجا روشن شد می فهمند حاج سیدجوادی کی هست... خود حریف هم، بنی صدر و اینها می رسد بگوشتان، یکسال پیش دو سال پیش ما اینها را گفتم می فهمم حریفی کی هست. یعنی کی می ستاسه (بنی صدر... چه خطی داره، این بود که از همان اول هم می ستاس این بود که من را بگوید حزب هم فرو می خانی می گویم البته تا حدی قرار گرفته و شناخته که بنی صدر کیه، مدتی کیه دیگران می گاند. اینست که خواه و ناخواه حزب هم مطرح می کند (بنی صدر به عنوان جناح مخالفی اما باز قضیه را زیر سون می داند. دقیقا همجا هم مطرح کرده.

راست هم میگه چون خوش را من نتان دادم.

• القاء فکر ضد

بنی صدر با توسل به

انواع دروغها

این بنی صدر تو جبهه ملی دوم است و اسلامی هم فکر نمی کند. بنی صدر جزو جبهه ملی دوم بود با همین هایدالله منشی دهنری، ناهبور بختیار، همکاری داشت. ۱۵ خرداد ۴۴ به بنی صدر نه حجابی... بنی صدر دو سال قبل از انقلاب با شاهرخ بختیار با دکتر صدیقی برنامه داده ناس داشتند و به شاهرخ بختیار گفتند تو نخست وزیر شو و ما تو را از جبهه ملی بیرون می کنیم که اگر کار می کنی باید از خدمتت استعفا بدهی. اینجا خطا داشتند بنی صدر و آن ارباب آمریکا می خواستند بریزد چه انگلستان چه آمریکا... اینجا (منظور بنی صدر و جبهه ملی) می گفتند آقا ختم شد بنی صدر از کجایه! اما اگر کشه نمی توانستند... (منظور بنی صدر و جبهه ملی) می گفتند آقا ختم شد بنی صدر از کجایه! اما اگر کشه نمی توانستند... (منظور بنی صدر و جبهه ملی) می گفتند آقا ختم شد بنی صدر از کجایه!

کسی را به خاطر عقیده کنار نگذارید این (حتمی) می گوید همه که غیر-اسلامی هستند بریزید بیرون... خب حالا اگر این هم باشد تا بکاه بعد که مجلس تشکیل نبود تا بنی صدر را بنی صدر بنویسد و بگوید ۳ نفر باقی در رأس رادیو تلویزیون باشند. یکی از طرف مجلس - قاضی - مجریه - امام هم اشاره کرده بود که رادیو-تلویزیون نباید زیر نظر خمینی باشد مستقل باشد. ما خط و نمه را خود می زدیم.

خود از برای هم دستور داده که به آید سوب جوی می داند چه باید کند چون دیده که می همسار را از جلوه گویم، کنم که می بنی صدر این است. و همین طور هم بعد یعنی الان آخرین چیزهای است که ظاهر هم شده رئیس چهره... چون ایبارک عمل دست جلسه مار ساله مجلس است.

• رئیس جمهوری

اختیار ندارد!

اگر آن بیش نویس را که آنها (سخانی و...) درست کرده بودند اگر آن تصویب شده بود، اصلاح از این رفته بود. الان بنی صدر رئیس چهره بود و رئیس جمهور هم همه کاره، هم می توانست مجلس را متحل کند، فرماندهی کل قوا را قاضیان را این منصب می کرد، هم ارتش را زیر فرماندهی داشت. همه چیز زیر نظر نبود، ما نوری این داده ایم به رهبر، اگر آن نباید آن را نماینده خودش کند، این اصل نیست، هر وقت خواست می تواند ازت می گذارد، اختیار کامل را هم که دادیم به مجلس، رئیس جمهور فقط می تواند مداخل بدهد و مداخل بکشد و سفر را به حضور پدیدبر و اللسلام هیچ اختیاری ندارد. بنی صدر تلاش می کند ولی چیزی (اختیاری) ندارد. به سوادها آمده گفته گفته آنها شهربان وکیل می دهد همه آمدند رانی دادند به یک نفر که صد بنی صدر است، باز آن دوستهای من این از اول قبل از انتخابات ریاست جمهوری، باهاش یوزر کرده بود گفت همی که این فلان است، و بهمان است و چه کار کرده و این چیزها مردم سوازه آمدند به این رای داده اند، آن انتخاب شد، حالا آمده بنی صدر تلاش می کند انتخابات را باطل کند، باطل کرد حتی شورای انقلاب هم پذیرفت. دوباره انتخابات نبود، همان می شود حرفی توش نیست. اینجا آدمه اند در خاندی ریاست جمهوری و دفتر شورای انقلاب و اعتراضی تمام مدرساها جمع شده اند آنجا در خانه امام آن وقت وقتی در میان دعوا توش تعیین می کنند، "امل" با خود نام مردم می دانیم اگر مجلس هم که وقت... فردا می زند تو دهشتن تو چه کارهای توش تورانه که تو چه کارهای مجلس همه کاره است آنها که مستقیم به مردم مراجعه می کنند، مجلس همان کاری که صدق کرده، این دست و پای بی خودی است، داره (بنی صدر) می زند.

مقابلش نگه داسم و گفتم اوضاع از چه قرار است هیچ کاری نمی تواند بکند، یعنی هرچه بخواهد سرودا کند، باعث می شود، روز بروزضعف تر شود. مخالف مردم برانگیزه نبود و جوی ناچار برکناری بکنند، اگر بخواهد سلیم بود که یک رئیس - چهره شریفی است و همین جزو بود، این طرف و آن طرف حرف می زد، هیچ قدرتی هیچ اختیاری مثل شاه انگلستان، الان فقط حرف می زند یک نخت وزیر می خواست تعیین کند، بنی صدر... جوی فکر می کرد مجلس فکر نمی کرد یک قاضی هم این طرفی باشد... در دانشگاه کسی را نداره به خصوص که روز به روز هم در دانشگاه پایگاهی هم همینطور باهاش برگشت، طلاب و حوزه علمی هم که اصلاح باهاش نبود، حالا هم که در جریان مخالفت قرار گرفتند، بازار هم دره کم کم برمی گردد، بنده عموم مردم که عموم مردم هم جهت ندارند و جهتنان هم جهت روایت است، روحانیت هم که وقتی درست برگرداند، عموم مردم هم برمی گردند، (ازین صدر) الان هم عموم مردم هنوز دقیقا در جریان نیستند کی به کیه، فکر می کنند، می کنند و بهشتی هم در یک جریان هستند، گرچه حالا کم کم دارند، می فهمند یک یک جریان هم نیست.

• این آخرین مهتره است!

این آخرین مهتره است نفس خودش را بازی می کند. یک، دو یا افراد دیگر که در خطا هستند، ممکن است بیایند بازگرد صحنه می ایستند. خوب اینها افرادی که خط ندارند تا بنی صدر خطا دارد، در جهت آنها حرکت می کند... الان که بعد افرادی می آیند، خطا برایشان شخصی نیست، مثلا بیجان بلند آن هم خط شخصی دارد و مشکل آوردنش به میدان، حاج سید جوادی اینجا مشکل آوردنش... یعنی درمدم معمولان شاخص دقیق می گویم رویشان ندارند، شخص نمی دارند، فرض کنید، میر سلیم را بیارند شخص وزیرش کنند، این خطا را شخص نمی دهند، این خط امام باشند - بنی صدر کیه - بیجان کیه - مخاطب: آیا حزب "کلا" هیچ تضمینی به همکاری ندارد... آیت: چرا وزیر می دهد همکاری نه وزارت تشریح می کند، چون حق خودش می داند، نه این که با آن همکاری کند، حزب می گوید، بنی صدر کارهای نیست، طبق قانون اساسی اکثریت نماینده مجلس می تواند نخست وزیر را تعیین کند، نخست وزیر، وقتی خواه ناخواه حزب برنده شد، باید حزبی باشد، حد اکثر افرادی که حزب بکند، باید یک شخصیتی را بگذارد که از لحاظ تعارض شدید با بنی صدر نداشته

باشد، یک دسته نباید بکند: آیت، حب اکثریت مردم بداند بگوید فلان، کسی را ندازه بوبری، حاجیک... کسی را ندازه و جناح بازگان را نمی تواند ببارد چون دیگر انقلاب نیست، بنی صدر - سخنجایی - حاج سیدجوادی - منس قدرتی - روحی این بندها کجاست محموسا بکنواحد هستند این که نه امام زیر بار می رود نه مجلس زیر بار می رود و اگر شورای انقلاب نه شورای انقلاب این (بنی صدر) اینجا را می خواهد. تمام نفس این است که اسبها را باورد برای وزارت محال بیاورد وزیر بنویسد.

الان اینجا نون به هم فرس می دهند یک عده ای اینها دارند در اختیارشان (مجاهدین) الان در سلیمانی دارند درست می کنند، یعنی فلان جا که بنی صدر صحبت می کند، تمام معلوم است اگرچهار تا یک بزنند و یا چهار تا سوت بزنند، این اصلا "مهتره" می شود، چند تا جا شرکت کرد، همینجورند حالا هم مجاهدین و فداییها می روند - اصلا "نیب نظارستان" هم با آدمهای وارد مشخص است، آدمهای ایملی انگلیز می گویند، نفوخته که خیلی نیمه لامتی باشند، کف می زنند، اما دیگر بنی اسلامها هیچ وقت سوت زدن نداریم، اخلاصان این نیست که کف بزنند، سوت نمی زنند، این سوت زدن مال بنی صدر است که می خواهد جو مشخصی ایجاد کند، معلوم که مجاهدین هستند (هواداران) اینجا بندها خوب چند تا در اختیار دارند برای این که بگویند این (بنی صدر) محبوب و مهم است کف زدن و سوت کشیدن بنی تلویزیون یک مره بداید و بگوید اینها به بنا اختیارات دادا این صلا" سبایی شده بود، که به مردم بگویند امام به این اختیارات داده، یک چیز داده را بیاورد، این استفاده می براه از اینها از آن طرف هم هرچه نامه می بیستند، حضور رئیس جمهور، می ایستند اینجا رئیس جیور، حلهان در حالی که ما مطلع هستیم اینجا همه می خواهند بنی صدر را اذیت بدهند در مقابل امام تمام کارشان این است ما حالا که نواستند بعدس هم می بیاوند کاری ازشان ساخته نیست.

الان برنامه های روی منظری ما است عکس را ببرد منظری را بزنند، سوت سخنجایی نامی ازین ببرد امام اینجا باشد صحنی از منظری باشد، منظری روز بروز بزرگتر می شود، کاگراف اطاقی برای امام می آید، ما دیگر خیلی کار نداشته باشیم. بنی صدر عکس این، هدش است جوی حتی آن روز عید که سیریک فرساده برای نجفی و گلپایگانی برای شهبازن فرساده، ولی برای منظره فرساده، مهم نیست اتفاقا بهتر بود. مخاطب می گوید: چه... آیت می گوید: خیلی محدود بگذارید روش چهره خردا دهدهم جزیر رو نش می شود، البته شاید زودتر از آن روشن بکنیم، بهشتی زودتر از این برنامه، می بایند یک خواهد بود... تبلیغ بکنید بقدر ممکنه

متن نوآرهای اول و دوم سخنان دکتر آیت...

بقیه صفحه ۳

که مجاهدین و بنی صدر با هم هستند، ولی اعتراض نکنید و به مردم بگویند، اینها با هم هستند و احدی که می شود، اعتراض مردم را برانگیزید. خیلی خیلی بیسواس و مطلب را بهمدریج مردم بفرماید، اول بفهمند بعدا اعتراض اشکال ندارد ... اعتراض به این که بنی صدر با رجوی با هم می نشینند ...

نیلغ روی همین مسئله که چرا باید وقتی یک میزگرد تشکیل می شود، کسانی توش شرکت کنند، که اکثر آنها نه پارتی هستند، بلکه کما حق الله تعالی که اینها هم هستند.

رجوی و احمدزاده از مشهد نشد آن ناجیک و آنها هم قابل مقایسه نیستند و کسانی که قابل تحمل بودند، یکی شمس آل احمد، که خوب کاری به کسی نداشته و یکی معادخواد بوده و حداکثرن حبیبی، بقیه مثل تکمیل همایون، از قزوین اصلا رای نیآورده اگر بنا باشد،

بایست نماینده اکثر مردم باشند، نه این تکلی نلویزیون در اختیار اینها قرار بگیرد.

خب این هم خوب شد، امام اتفاقاً روی این مسائل حساس است و می بیند از رادبولیویزیون چون امام معمولا تلویزیون نگاه می کند.

بعد از اعلامیه یازگان، حبیبی، سحابی آنها را شایطین کوچک خطاب می کند.

انها ضفتان و حماقتان این جاست که جلوی امام ایستادند، باید به اینها میدان داده شود، چون اگر میدان ندهی دستش را می بندد. تا یک جایی به اینها میدان داده می شود.

و مطمئن باشید که نقشه آماده است و اصلا زیر و رو می شود، تمام مسائل و غیراز مسائلی که شما فکر می کنید، می شود. بعد از ۱۴ خرداد مطلقاً نامحالی خواهد شد، نه دانشگاهی باز خواهد بود. دانشگاه تعطیل خواهد شد.

خواهد شد.

دانشجویان انجمن اسلامی، استادها، زیاد با ما تماس می گیرند و می آیند مسائل را می پرسند، و به ما تلقین می کنند. ما با یک ارتباط سازماندهی شده ای را، داریم برقرار می کنیم. علاوه بر روابط خاصی که رابطین کل شهرها با اینها است که برقرار می شود. تصمیم بر اینست که انجمنی تشکیل شود، که نماینده ای انجمن های اسلامی دانشجویان دانشگاه های مختلف تهران و دانشگاه های سراسر کشور شوند، شما با جماعت زبانی می زنید ... خلاصه می خواهم از خودش متنفر نکند آنها را.

برنامه های داریم

که با پای بنی صدر هم

نمی توانم مقاومت کند

خودش رازود هماهنگ می کند فوری می پرد روی موج، می گوید الان وقت حکامیت دولت است.

در سیمازی که از تلویزیون دیشب پخش شد، هم به نعل می زد و هم به میخ، از آن طرف معلوم بود، خودش را هماهنگ کرده با رجوی و با احمدزاده ... و با دیگران هماهنگ کرده.

اختیاراتی گرفتند، اختیاراتی نگرفته و بعد آن (رجوی) بویچه بنی صدر را، و بنی صدر هم می گوید شما با جماعت زبانی می زنید ... خلاصه می خواهم از خودش متنفر نکند آنها را.

برنامه های داریم که با پای بنی صدر هم نمی توانم مقاومت کند.

این دفعه مثل دفعه قبل نمی توانم مقاومت کند، مسئله مهم الان امام است، یک کلام بیاید بگوید.

مخاطب می گوید: امام بیاید اسم ببرد و سازمان مجاهدین را خراب کند.

آیت: (امام) یک کاری خواهد کرد، خیلی خندیدر امام شانش نیست بگوید رجوی فلان ... بد است و فلان گفته به طور غیرمسقیم اما (امام) مثال می زند، فرض کنید، الان فردی کشتانچه شده و صد بنی صدر هم شناخته شد، خود بنی صدر هم می دانند ... حالا امام بیاید، من را تا باید کند، یعنی حد؟ معنی آن اینست گردن او را بگوشش شدید او.

شبهه این کار خواهد بود (خواهد شد) ممکن است مرحله مرحله پیش بیاید، ولی شبیه اول کار خواهد بود، ما برنامه های

را داریم، و واسطمان هم تهران محفوظ باید باشد، انجمن هم تشکیل می دهیم، حتی اگر شده هفته به هفته یکی بفرسیم به شهرستانها این کار انجام خواهد شد.

به جغما بگویند و (منظور خود دارند) قرص و محکم باشند، بزودی موج عوف می شود در تبریز دانشگاه را در اشغال خود دارند) قرص و محکم باشد. و برینداندند باشند، صمیمی گرفته شد لطیف، غیرناآزیدر است، دانشگاه ها بعد از ۱۴ خرداد تعطیل می شود و بعد ما برنامه های خواهیم داشت و با پای بنی صدر می تواند روی این برنامه کار کند. حتی ترسبی داده شده که برخلاف دفعه قبل نمی تواند بیاید مقاومت کند، ظاهراً هم همراه می شود.

مخاطب: از امکانات تبریز هم

باید بتوانیم استفاده کنیم چون امکاناتی نداریم اینجا، سالهای که می ماند یکی در رابطه با صحبت های است که دو سه روز پیش بنی صدر کرد حالا بنی صدر در رابطه با این ملیتستانی بود که جمعه مجاهدین را انداختند یا در چه رابطه ای بود.

آیت: که می گفت؟

مخاطب: که اینک با اصطلاح ارسن خودمان می دانید منظور است ارسن هیچ با اصطلاح چیزی ندارد، حرف شیوی توی نیست و منزلت است یعنی هست، ولی در رابطه با مردم و جزیاتی که پیش می آید رزسناد نمی تواند عمل کند، ساله سیاه هم سیاه ککامل در رابطه با آقای خامنه ای و حزب و این برنامه بود - بنی صدر در این می کند بکشد این را بطرف خودش جلب بکند و این که گفته بود به اصطلاح سیاه باید می - بطرف بیاند، بی طرفی که بنی صدر گفته منظور این نیست که خوب طرفدار حرفه های فدائی خلق که نبود، طرفدار مجاهدین که نبود، طرفدار شخص طرفدار حزب بوده طرفدار خط امام بوده، این که این داره میبکند کنار و کیمه ها که تحت دارند حسابی منحلش می کنند تبریز کیمه ها، خیلی می توانستند به جغما کمک کنند چنانچه بر مشکل داشتند می رفتند آنجا به اصطلاح که سیاه حل می کرد ولی اگر به کلانتری ارجاع می شد جغما را می انداختند کنار این بود که در رابطه با این مسائلی کیمه ها دارد منحل می شود که سیاه خیلی می توانست عمل کند، حالا در رابطه با این ساله از لحاظ نظامی یا جگاز بکنیم یعنی آیا به این گرفتار بود، یک سری به اصطلاح داره آموزش نظامی نوی مبارزه و رسوا داده میشه و یا این که نه؟ به اصطلاح می آیم

متن کامل نوار دوم سخنان دکتر آیت

معرفی باشند برای آنکه آن فرصتی و آلت دست ما شوند تا بنظر بگیرند گاه نگاه یک توضیحی، یک جانی، سیاه را چسبت را مشخص می کنند.

مجلس هم که باز نشود گفت دست ما خیلی یابز می بود، احیاناً یعنی احیاناً که نه، حتماً، با این وسیله روزنامه نعل ببرد و از نوایند خول آن روزنامه افراد را شکل دهیم کار ما همین است ...

گفتم برنامه طلاویست، ما بیاید برنامه طلاوی داشته باشیم، بله من خدمت اینست که بنی صدر خیلی دوام نماند، هرچه من تلاش می کنم که برای چهار سال آینده دوام بیاورد، فلافل یک مدتی ما وقت داشته باشیم برای این که خودمان را بیشتر ستانیم (سازیم).

مخاطب: با زین گفتم این بدت نباید این قدر باشد که نیروها از دشمنان بره هدا، خیلی نباید طول بکشد.

آیت: بله، خوب، همین، برای طریقی است باید وقت کرد که کجا؟ یک وقت باید دو ماه دیگر باید چنان مقابلش بایستی که یعنی بطور کلی اگر بنده به نحوی کار کرد که بگذارد و مرزب باشد، چون رویه اش خودش غلط است، خودش زود داره خودش را طرف نابودی می برد، من خیلی اطلاعات زیادی بهم می رسد که این کارهایی ناجوری که کرده وضعش در حد علنی ها که بعضی هایش را روزنامه خیر دادند، دیشب آقای گرامرودی تصاحب کرده که بسیار ناجور بود و راجع به مجلس و راجع به رئیس جمهور و راجع به انتخابات بود یعنی نبود و الان هم رئیس جمهور مقننه که اینها باید آزاد باشند. این حرفها ... خوب و حتی با نرسن علی اش اینجور باشد کارهای نیمه مخفی و ساکنان که گاهی می بوی روزنامه متکسند شده که بعضی اصلا این کارها میگیرند - انسانی، ضد اخلاقی، ضد قانونی است.

مخاطب: بله اینها را نوی روزنامه هم نوسند بود.

آیت: خوب اینها می بینید سقوط این که نزدیک می کند این سلاک فلا فقط ماندنش اینه که مجلس نیست، فردا که مجلس بیاید، الان روزنامه انقلاب درسته که یک ارگان قانونی است ولی یک ارگان

انتصابی است.

مجلس که نباید یک ارگان انتخابی است و به این عنوان می تواند بایستد مقابل رئیس جمهور و خواهد اسناد اگر بخورد راه کج بود می گوید، خودش را بر سطح می کند، با کیستن کنیم به آن حادی نشه کارش فلا که ساغظینه.

انرا که کار هم خوب حاد شد، باید آژادگی داشته باشیم در هر لحظه که جولیسی را بگیریم چون اگر همان توجیه کرد که خوب درسته که ما الان حکومت تقریباً مورد نظر ما است و انقلاب است و اینها ...

ولی ما باید روز میاها در هم فکرتش را بکنیم که بخواییم برهمندرج بشه ولی مسئله امام را هم خوب باید مشخص کنیم. آمد و خدی کرده امام هر لحظه فوت کرد آیت: باید آیت الله منتظری را بجایش گذاشت.

مخاطب: خوب آیت الله منتظری ببینید به اصطلاح مسئله، زودترین فرصت را باید گرفت. آیت الله منتظری را، ما الان داریم به حد زیاد تلاش می کنیم، دستگاه که وسیع دارد تلاش می کند، ما هم تا تلاش را می کنیم ولی مسئله این است بیاید منتظری تا بیاید جا بیاید بعنوان رهبر.

آیت: خوب، ما باید تا آن موقع آنقدر قدرت داشته باشیم که اگر یک وقت خواستند با فوت امام درباری آقای منتظری با توطئه یا مسیر را منحرف کنند ما این قدرت را داشته باشیم که بتوانیم جلوش را بگیریم فلا در آن مرحله، قدرت ما باید تا این حد باشد، هم اگر امام در آن مرحله رفت و ما این قدرت را نداشته باشیم خیلی ساده داد و قال شد در مجلس و چه در دولت و چه در ارتش و چه در سپاه که الان هست در این جاها باید باشد، باید توی بر ماند در آن حد ما باشد.

مخاطب: درسته.

آیت: با امام درگیر نشده مقابل امام ... حالا اگر این امر را می گذارند بیاید مخالفت، ولی به طور عادی بنی صدر کار خلاف مقابل می دهد در درازمدت ...

آیت: خوب سله مستلانی سهر - حالت است.

مخاطب: ما خیلی باید فکرت کنیم روی نیروی خودمان.

آیت: خوب سله.

مخاطب: ما فرض خوبی داریم، ما برای به اصطلاح شکل پیدا کردن، ما الان در خیلی جزییات شکل پیدا کرده ایم.

آیت: کار ما خوب حاد شد، باید کار ما هم عدنان الان سیاسی است یعنی باید افراد بداند تبلیغات سیاسی، جهت گیری سیاسی چیست، این فن را یاد بگیرند، مسئله نظامی اش را هم به اینجور می شود توجیه کرد که خوب درسته که ما الان حکومت تقریباً مورد نظر ما است و انقلاب است و اینها ...

ولی ما باید روز میاها در هم فکرتش را بکنیم که بخواییم برهمندرج بشه ولی مسئله امام را هم خوب باید مشخص کنیم. آمد و خدی کرده امام هر لحظه فوت کرد آیت: باید آیت الله منتظری را بجایش گذاشت.

مخاطب: خوب آیت الله منتظری ببینید به اصطلاح مسئله، زودترین فرصت را باید گرفت. آیت الله منتظری را، ما الان داریم به حد زیاد تلاش می کنیم، دستگاه که وسیع دارد تلاش می کند، ما هم تا تلاش را می کنیم ولی مسئله این است بیاید منتظری تا بیاید جا بیاید بعنوان رهبر.

آیت: خوب، ما باید تا آن موقع آنقدر قدرت داشته باشیم که اگر یک وقت خواستند با فوت امام درباری آقای منتظری با توطئه یا مسیر را منحرف کنند ما این قدرت را داشته باشیم که بتوانیم جلوش را بگیریم فلا در آن مرحله، قدرت ما باید تا این حد باشد، هم اگر امام در آن مرحله رفت و ما این قدرت را نداشته باشیم خیلی ساده داد و قال شد در مجلس و چه در دولت و چه در ارتش و چه در سپاه که الان هست در این جاها باید باشد، باید توی بر ماند در آن حد ما باشد.

مخاطب: درسته.

آیت: با امام درگیر نشده مقابل امام ... حالا اگر این امر را می گذارند بیاید مخالفت، ولی به طور عادی بنی صدر کار خلاف مقابل می دهد در درازمدت ...

برادر مجاهد مسعود رجوی

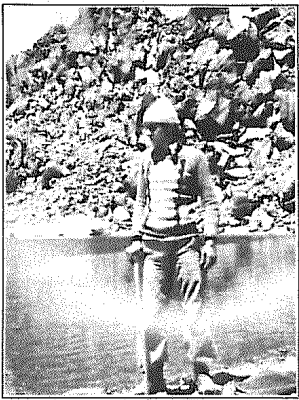
به سؤال خبرگزاری پارس در رابطه با اظهارات

دکتر آیت

۳۰ خرداد می شود که یک جریان سیاسی و یک گروهی، هر چند رگه می تواند در تفرقه و جفا که در ایران و خونریزی و توطئه فروگذار نمی کند، ولی همینکه نوبت می رسد به افشای یکی دو قلیم تا چیزها را پیش فریاد بر می دارد که بیس کنید! تفرقه ایجاد نکنید! خون شهدا را پامال نکنید! والی آخر... .

بهدیاد مجاهد شهید احد عزیزی

مسئله



احد فریاد "بلال" و امامت دار آنچه که کوهها نیز از پذیرفتن آن سرازیرند، بر فراز قلعه سلیمان

پس است، بله، می خواهم عرض کنم، خط تفرقه بینداز حکومت کن که این جریان از فردای انقلاب تا کنون پیوسته، همان خط قدیم استعمار انگلیسی است که با توجه به سوابق کسانی که فی المثل مدافع میراثش می بوده و همیشه درگیری - نفوذ داخلی را دامن زده اند مبین های و عملگر یک جریان این - جنبی است، جریانی که منجمد از روز اول با هدف نابودی تمام عیار مجاهدین و با عدم پذیرش حتی یک نفر از آنها به مجلس وارد کار شده و با سنگ گرفتن در پس نام مقدس اسلام و انقلاب و دم زدن ربابی از امام و مسلمین، امثال آیتها را به عنوان وکیل مردم قائل می کنند. آنهایی که بطور علنی و آشکار و در برابر توده مردم، مخلص و توده انقلاب و اسلام و ضد اسلام... .

تولیان خون ۷۰۰۰ شهید (که البته هیچ بنا به ریاضی ندارد) گوئی فرستای حق و عدل اسلامی هستند. و نظاره می کنند بر این که گویا بر سر اسلام به اصطلاح مورا از ماست خواجه کشید و ولی، چون به خلوت می روند آن حرف دیگر می زنند، حرف دلشان را، حرف هجوم، حفر، به جان هم انداختن مردم، ریختن خون بی گناهان در جریان دانشگاه، جوانان پاک و مصوم انجمنهای اسلامی را قلمبه دست خود کردن، و موج از بالا و پایین راه انداختن و حتی بالاخره کاری کردن که فضائی ایجاد شود که به قول خود آقای آیت "امام علیه مجاهدین بیاید و کار خیلی شدید بکند" و تازه این تنها گوشه ای از کارهای این جریان و این حزب است. آیا در قضایای انتخاباتی ریاست جمهوری، نیز چنین چیزهایی در کار بوده؟ خدا می داند و آقایان آنچه ما دیدیم و شنیدیم این بود که موجهی ایجاد کردند و بعد آمدند در روز جمعه و عزرا قطعنامه خواندند که این دهنه شرم آوری می زند که حاصل زحمت سایر افراد بی گناه و زحمتکش این نجاتها نیز هدر می رود.

بنابر این از آنجا با منافع گروهی نان ساگار نبود، فی الفور به ضدیت با انقلاب و اسلام و امام تعبیر می نمود - دید که گوئی هر یک از آقایان پیامبر مرسل هستند که در نهایت عصمت و طهارت هر چه را او بکند، فقط همان درست است و لایعبر! حالا اگر تا دیروز تشخیص داد که جاب و نشر سنجل گروه به اصطلاح مجاهدین انقلاب اسلامی که یکی از فاشیستی ترین گروه بندی های سیاسی موجود است، درست است، که فیما، و دیگر مهم نیست که تمایل ارتجاعی خشن و بدست بندی همه را با تیر تهمت و افترا... هدف قرار داده است ولی روز بعد که نوبت افشا، حزب می رسد فریاد و فغان که نکنید و بس کنید! تفرقه دشمن را شاد می کند! و آیا جز این است که هر یک از عبارات و جملات افشا شده فی المثل اگر متعلق به سایرین بود، امروز بوق و کرنای شما گوش فلک را هم کر کرده بود.

بنابر این بگذارید من به عنوان یک مجاهد خلق به مردم میهنه به ولی وسله بازهم هشدار بدم که مساله را در یک فرد خلاصه نبینند، اخیر، مساله در جریان و در حزبی است که مسئول عمده ی ناپسامانی های کنونی است، جریانی که مسئول کوششهای دانشگاهها مثل تحت عنوان ظاهر فریب انقلاب فرهنگی است، جریانی که مسئول اصلی جفاکاریها است، جریانی که مسئول اصلی همه ی خونهای است که بعد از انقلاب در گوشه و کنار کشور از مجاهدین به زمین ریخته شده است؛ جریانی که دادگاههای انقلاب را تا حد ممانعت از حکم اعدام میراثشانی زجر نفوذ افکنانه در همه ی دستگاههای کشور و به ویژه رادیو تلویزیون، پاسداران و کمیته ها، دست به چنان اقدامات شرم آوری می زند که حاصل زحمت سایر افراد بی گناه و زحمتکش این نجاتها نیز هدر می رود.

بنابر این از یک نقطه نظر انقلابی، مساله دقیقاً پاسینی نتوجه جریانی باشد که امثال آیت را در خود پرورش می دهد و تنفیه می کند. و البته نباید فراموش کرد که کسانی که امروز می گویند مخالفت آیت با رئیس جمهور "کفر" نیست، در گذشته هر اعتراضی را به خود و شیوه های ارتجاعی شان، علامت کفر و زندقه و نفاق شمرده و بازهم خواهند سرد.

بنابر این اولین چیزی را که باید از تمام مردم تهرمانان، که مدتهاست از این گونه عملکردها به تنگ آمده اند، درخواست نمود، این است که در قبال این تضایا گول نوجهانی از قبیل این که اگر این مساله مورد بررسی قرار گیرد، باعث تفرقه و خوشحالی دشمن می شود، را بخورند. آخر چطور می شود که یک جریانی و یک حزبی، هر چند که می تواند در تفرقه و جفاکاری و خونریزی و توطئه فروگذار نمی کند، ولی همین که نوبت می رسد به افشای یکی دو قلیم تا چیزها را پیش فریاد بر می دارد که بیس کنید! خون شهدا را پامال نکنید! والی آخر... .

بنابر این است، همین آقایانی که امروز این مطلب را می گویند، تا دیروز، بله تا همین دیروز، هیچکس را غیر خودشان نمی برچسب و بی اتهام باقی نگذاشتند. آخر این که خود می کنند جریانی آتند با انقلاب و اسلام و حتی امام، آتند انحصارطلبانه غیر بخورد کند که هر کاری که خود می کنند آتند اسلام! خون ۷۰۰۰ شهید پامال... .

و کسی نیست که بگوید آقایان اگر برداشتی برای اسلام و انقلاب و امام دل می سوزانید، چرا به چنان کارهایی اقدام می کنید؟ بله، امروز که شمایی فقط شمایی از مقاصد و کارهای شما افشا می شود، هشدار و توجه می دهید که "کشور در لحظات بسیار حساسی بسر می برد" آیا وقتی که هواپیماهای آمریکا در آسمان ایران بود و شما تحت عنوان انقلاب فرهنگی و زندگی کردن دانشمندان بی گناه و زندانی کردن آنها اشتغال داشتید، کشور در لحظات حساسی بسر نمی برد؟ امروز؟ می نویسد که اگر کسی قصد دارد توطئه کش کند چرا توطئه ای آمریکا و اسرائیل را کشف نکرد و به سراغ آیت و حزب او آمده است؟ خوب، از خودتان هم نباید پرسید که شما چرا در تمام این مدت بعد از انقلاب توطئه ها را از نیروهای انقلابی و ترغیب خواه داخلی کشف می کردید؟ انصاف بدهید که تاکنون چقدر وجدان بار و در چند هزار مورد کلمه "ضد انقلاب" را برای مخالفان داخلی خودتان که با تفرقه و ریختن و انحصار طلبی و عوام فریبی مخالفت می کردند، بکار برده اید؟ و مگر خود را این است که در این مدت شما هر اعتراض و اشکاف و ایرادی را که

با قاضی استوار، محروم برنجبر، در انتظار سلام و لبخند، پیش از قدومت را، چاروب می کند. در راستای روشن چشمانت، بر امتداد سهرابی، آن دورها، درونهای دور، با چشم اشکیار... رود "ارس" و شرمسار، "صد" را بیژاک می کند. فریاد کن "احد" برقله رهایی و ایمان در انعکاس گوی، نگرار کن "احد" فریاد کن، یگو زمین قلمی بلند، بکجا بر گرفتاری؟ برای عبد بسگی خود، با خدا و خلق، "مشاقق بر تیرک راه مجاهدین" با ما یگو که اینک، با مهر خون، در کلبه ها، در کشت و گار، با پشتهای فقر، در دامن "چراغها" صراره گوشتندان.

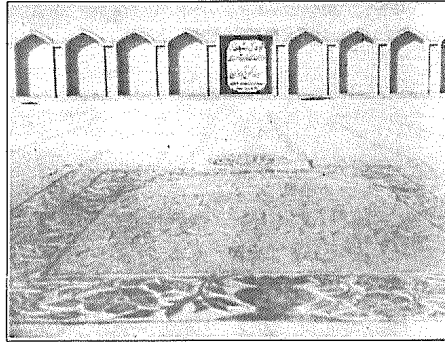
تازه آقای آیت از این می نالد که چرا من برای اولین بار آن هم برای چند دقیقه از طریق سمیاب انقلاب فرهنگی در تلویزیون حضور یافته و پیشانی نسبت به آنچه این آقایان در سر می پروراندند. هشدار دادم. بله بیخود نیست گراموس - تلویزیونی که جریان انحصارطلب دائما از آن مدعی بحث آزاد است تاکنون به هزار و یک حیل و ترفند مانع بحث سخنرانی ها و افشاکاری های ما شده است. راستی تو خودی که من می دانم بلافاصله پس از پخش این سخنان باز منتظری نیز نقش نمی کشیدند. آری این بزرگترین گناه سوادگران دیانت است و ما به همین دلایل آنها را ارتجاعی یافتیم چرا که در فرهنگ راستین توحیدی نه امامت و نه دیانت هیچکس سرمایه و سرفلتی نبود. این راه امامت که همین قبیل آقایان در آینده نیز اکتفا و شدیداً خواهند گوید که برای برداشتن هر مانعی از پیش خود اولاً خودکامی و قدرت طلبی خود اولاً بازهم پیش از پیش در متزوی کردن و سرکوب نیروهای انقلابی از طریق فتنه های مثل دانشگاه از چیزی فروگذار نکنند. نایب با طرح بیانه هایی از قبیل خلق سلاح با توقیف و انحلال نترتیا با سازمان های انقلابی در مجلس نیز بوج ایجاد نموده بازهم بر نشتها و تفرقه ها بیافزایند، این مطالب از لایله حرف های آقای آیت در جهت ایجاد دیوار کفر و لعن در اطراف مجاهدین به منظور ممانعت از هرگونه رسمیت و قانونیت ما به خوبی بیاد است.

"بله، امروز که شمایی (فقط شمایی) از مقاصد و کارهای شما افشا می شود هشدار و توجه می دهید که "کشور در لحظات بسیار حساسی بسر می برد" آیا وقتی که هواپیماهای آمریکا در آسمان ایران بود و شما تحت عنوان انقلاب فرهنگی به کشور دانشمندان بیگناه زندانی کردید آنها اشتغال داشتید کشور در لحظات حساسی بسر نمی برد؟"

در این باره خوب بفرمایید! مقداری هم این مورد داد سخن بدهید! چطور است که اگر این حرفها متعلق به مجاهدین می بود حالا فریادها به آسمان رفته بود که بله مجاهدین چنین و چنان کردند، دولت جمهوری اسلامی را تضعیف کردند و کذا... کذا... ترا به خدا فکرتش را بکنید، اگر مجاهدین از یک ماه قبل در مورد توطئه ۱۴ خرداد به بعد هشدار نمی دادند و با آگاه نمودن مردم از این توطئه ها ممانعت نمی کردند چه می شد؟ چه کشتاری بیش می آمد و چه تانورات سوئی بر فضای سیاسی و اقتصادی کشور بر جای می گذاشت و

بله حسب معمول می خواستند و نمودند که در این "مردم" هستند که با ما مخالفت می کنند "مردم" هستند که جفا دارند و این "مردم" هستند که خواستار هرج و مرج و بدخونی کشیدن دانشگاهها هستند و ولی حالا روس می شود که قول آقای آیت اسدا صمیمی گرفته می شود که "حریف هم اصلا نباید بفهمد و هیچ زبانه ای هم نباید از آن بشود" و این که باز هم به قول خود ایشان: "... یکره بی اعلام شود و بعد شروع کنند... بد آن تبلیغات و صدا راه انداختن" تاکنیک ایشان و حرشنان نیز که دیگر

مصاحبه‌ای با خانواده‌ی قربانیان فاجعه سینما رکس آبادان



دروغ بگوید! مجاهد: ضمن تشکر اگر پیامی برای مردم دارید، بگویید. برنده هستم که تاکنون با دل‌نگاری و فریبکاری فراموشی مواجه شده‌ام. ۲- طرح خواسته‌هایمان در محضر هتایت ویژه.

مجازات شود و از رادیو بیوزیون هم سخن نبود. دیگر هیچ خواستهای نداریم. فقط حاکمی عادلین قتل بجهت‌ها. الان ۲۸ روزه که اینجائیم هر بخاطر رسیدگی به خواسته‌هایمان هر برجسی به ما زدند، گشتند اینجا اینجائیم مادران، پدران، خواهران و برادران اونها هستم. مجاهد: شما پدر در رابطه با شهادت فرزند یا فرزندان اگر صحتی دارید، بگید. ج: من جوان ۲۱ ساله‌ایم در فاجعه از دست دادام ما بازمانگان ۲۸ روز است اینجا تنگسایم و فقط یک آرزو داریم و آن این که مسبین سوخن فرزندانمان دستگیر و محاکمه شوند، ولی انواع و اقسام بیست‌ها را با حالا نه ما زده‌اند، می‌گویند، صدانقلاب، کمونیست، مافک در صورتی که بی سی‌دلم اینجا حی هستم خدا بی‌داند که ما سلطان هستم و هیچ بونی هم از کی نداریم جز حاکمی مسی. محرکات مجاهد - آبادان ۹۳/۳/۱۵

اینجا گودال شهدای کفن سوخته سینما رکس آبادان است. شهدایی که قربانی یکی از نوبت‌های شوم و فرتکار و سواک و دزخیان جناختار شده شدند. اجساد ذغال شده شهدای آتش‌سوزی سینما رکس آبادان که نه قابل شناسایی و نه حتی قابل جدا کردن بود توسط بازماندگان داغدار آنها در یکجا انباشته و دفن شد. موار پاک آنها هنوز هم به عنوان سمبلی از جاییت و خونخواری رژیم‌های وابسته به امپریالیزم، یادآور آتش خشم و نفرت و عین تضاد آشتی ناپذیری است که بین خلق و امپریالیزم وجود دارد. خلق قهرمان ایران نیز تنها روز پس از این حادثه در حساسی ۱۹ شهریور و سپس با رشد فرافزون جنبش که نهایتاً به سرنگونی رژیم متفردانه نجات‌بخش داد که مردوران و ایادی جناختار امپریالیزم هرگز از شله‌ی انتقام این خلق در امان نخواهند ماند! اگر چه طبیعی بود که تلاش خانواده‌ی این شهدا در آن زمان برای شناسایی و مجازات عاملان این جنایت بجائی نرسد اما با فروریختن نظام پوسیده‌ی امپریالیزم تمامی سردم زرمزنده و انقلابی بی‌میانم و بی‌بوره و بازماندگان و خانواده‌ی شهدای این فاجعه که در حقیقت نمل- پندگان دانشجوئی نمایی خلق بودند انتظار داشتند که با شناسایی و مجازات عاملان این جنایت هولناک، لاف‌های قربانیان منتفی بایند. "بیفت دستور قوم و مومنین و ذهاب غیظ قلوبهم". اما آنجان که خودشان اظهار می‌دارند پس از گذشت بیش از ۱۸ ماه تلاش بی‌وقفه، هنوز هم به جایی نرسیده و نه تنها از مقامات مسئول برخورد قاطعی ندیده‌اند، بلکه آنها از دست‌های پنهان و آشکاری صحت می‌کنند که به طرق مختلف مانع افشا و معرفی عاملان این جنایت می‌گردند. نهایتاً مادران و پدران دلسوخته‌ترین چاره را در خصم یافتند و اکنون بین از ۶۰ روز است که در ساختمان دارائی آبادان متحصن شده‌اند. آنها تنها یک خواسته مشروع و انقلابی بیشتر ندارند و آن هم معرفی و مجازات عاملان کشتار جمعی فرزندان و بستگان شهدایمان می‌باشد. ما ضمن همدردی با خانواده‌ی شهدای سینما رکس آبادان بر آن شدیم تا ضمن مصاحبه با چند تن از آنان، این سوال بار دیگر مطرح شود که:

کرده‌اند و الان خاندانان شرح حر که می‌خورید نمی‌باشد. حتی آن قدر حمله و حمله بوده که وسایلی مانند جرح حیاطی هم گذاشته‌اند. بعد از حمله آنجن، متحاجمین به خانه حمله کرده و به پنهانی حسنجوی اسلحه‌افراد داخل خانه را مورد ضرب و ستم شدید کرده بودند و ۳ راه برای ما را انتخاب کردند. ما نوبت‌نامه بنویسید که ما مجاهد و طرفدار مجاهدین بنسیم یا از شهر بیرون بروید یا اگر در شهر هسید باید حمله را بمان بخرید. سپس برادر مجاهد سمود به خانواده‌ی داغدار زور تجدیدی‌ها چنین گفت: "... و اینها را برای برای آنچه شما تحمل کرده‌اید، نمی‌توانم چیزی بگویم. تنها چیزی که می‌توانم به شما بگویم این است که، خوب به فکر رضائی‌های شهید نگاه کنید، ما می‌کنم که آدم هرچه مصیبت ببیند، وقتی او را می‌بیند ... من یکبار به مادرا می‌گفتم که فاطمه را که حال زینب و حمصرت فاطمه را که آدم می‌خواند تا سر مادر-

بازنده نامه و سگایت از طرف انجنین جوانان مسلمان تربیت حیدریه و مجروحین و خانواده‌ی آنان بی‌دادستانی انقلاب تربیت حیدریه، دادستانی انقلاب شهید، دفتر ریاست جمهوری و ... ارسال شده با کتون هیچ گونه اقدامی جهت رسیدگی به این شکایات صورت نگرفته و جفاکاران ما همچنان با برخورداری از حمایت مقامات شهر به حکمرانی خود ادامه می‌دهند. خانواده‌ی چند تن از مجروحین پس از عدم رسیدگی مقامات استان برای گیری شکایات خودیولیات تا رئیس جمهوری و سایر مقامات پنهان آمدند. این خانواده‌های داغدار و غارت شده، در براسم بزرگداشت هنت تن از شهدای اخیر خانواده‌ی خلق ایران در آجودیه شرکت نمودند آنها با برادر مجاهد سمود روی نیز دیدار کرد دل کردن، که در زیر فرازهایی از گفتگوی آنها را می‌وریم.

قانونی نیز مردم را در برابر اوپانوی جفاکاران حرف‌های حمایت نمی‌کنند. حال سوالی که باقی می‌ماند، اینست که آخر این چه ملک و قانون و حساب و کتابی است که مستی ارادل قدره بند و جفاک کن این چنین آشکار به حقوق اولیوی مردم یک سپر تجاوز می‌کنند و هیچ مرجع قانونی هم نه تنها رسیدگی نمی‌کند، بلکه عملاً با حمایت‌های پنهان و بی‌تفاوتی‌های خود، به این اعمال میدان می‌دهد. تا آنجا که عدای از خانواده‌های محترم و با ایمان در این شهر مجبور می‌شوند، از زن و مرد و به کودک شهر را ترک نموده و به دیار دیگری هجرت کنند! در ناسی که با دادستان تربیت حیدریه گرفته می‌شود، وی به جای عمل به وظایف قانونی خود جواب می‌دهد: "با تسلیم آنها (جفاکاران) شوید و یا این که کتک‌ها را بجان بخرید!" اوپاش گویا اندر آن حمایت‌های رسمی و غیررسمی مطمئن هستند که اعلام کرده‌اند، لیست خانواده‌ی هواداران در اختیار ماست و هر خانواده‌ی هوادار باید توبه‌نامه بنویسد که: "من و بجمه‌ایم طرفدار مجاهدین نیستم". تا از تعرض

بیتجاهر صحتی اول در فاجعه‌ی حمله به انجنین جوانان مسلمان تربیت حیدریه منازل هواداران چماق‌داران اقوام و حشای مغول و تاتار را سفید کردند! بطور بوقت از شهر هجرت کرده‌اند. سردمداران جانی و مزدور این چماق بدستان گفته‌بیروند که هواداران مجاهدین و خانواده‌هایشان یا بایستی از عقاید خود توبه کنند و یا شهر را ترک نمایند. چندی پیش خبر یکی از ددمنشان‌ترین حملات جفاکاران بود، اخیراً که مربوط به فاجعه‌ی هجوم وحشیانه‌ی اوپاش چماق‌داران - انجنین جوانان مسلمان تربیت حیدریه و خانه‌های مسکونی مردم و هواداران در این شهر بود و به مجروح شدن بیش از ۵۰ تن از هواداران مجاهدین منتفی گردید، در "مجاهد" (شماره‌های ۸۵ و ۸۶) می‌دهد که حسین تکبلی‌زاده و ۳ تن از دوستانش که هر سه در آتش‌سوزی از بین رفته‌اند، تنها نبوده‌اند و فقط مجریان طرحی بوده‌اند که از جانب کسان دیگری تهیه شده بود. در حقیقت ما حسین و دوستانش را به شکل یک جریان می‌بینیم که مسئولین امور ترس از افشای آن جریان دارند، در این رابطه مدارک مستندی هست دل بر ارتباط حسین تکبلی‌زاده و دوستانش. اینجا لازم است این نکته را یاد کنیم که حسین را به نحوی مثلا" اعدام کنند و برپونده را هم ببندند، که تا کتون موفق نشده‌اند و به تازگی حتی شنیده‌ایم که حسین در زندان ممنوع‌الملاقات شده و شدیداً هم تحت فشار و حتی شکنجه قرار گرفته است در صورت مدینه به اصطلاح مجبور به سازش شود و مطالب باب طبع خودشان را بگویند که تاجایی که ما خبر داریم، حسین هنوز مقاومت می‌کند و خودنیز خواهان یک دادگاه علنی شده، موافق که چند وقت پیش چند تن از مادران می‌خواهند که حسین را محاکمه‌ی علنی کنند، می‌گویند که اگر حسین را محاکمه‌ی علنی کنیم، ممکنست



عده‌ای از خانواده‌های مصیبت‌زده‌ی مجروحین تربیت حیدریه در ستاد مرکزی مجاهدین. آنها برای پی‌گیری شکایات خود و ملاقات با رئیس جمهور به تهران آمده‌اند. مادر رضائی‌های شهید و خواهر مجاهد اشرف ربیعی (رجوی) در عکس دیده می‌شوند.

حمله به انجنین جوانان مسلمان تربیت حیدریه بار بار مجاهد سمود را دیدار کردند در این ملاقات ابتدا یکی از برادران عضو انجنین جوانان مسلمان تربیت حیدریه ضمن معرفی خانواده‌ی مجروحین، وقایع اخیر تربیت را تشریح کرد. وی در قسمتی از سخنانش گفت: این مادرانی که آمده‌اند، خانه‌ی اکثر آنها مورد حمله فالتسوها قرار گرفته و اموال آنها را غارت

ممنون باشد و گرنه با باید شهر را ترک کنند و با باید حملات ما را به جان بخرند. ... هواداران و خانواده‌ی آنها حتی امکان پی‌گیری شکایاتشان را ندارند. اگر کسی به محل دادستانی انقلاب یا سپاه پاسداران و یا سایر مقامات رسمی مراجعه کند، بهنگام بیرون آمدن از محل، مورد حمله‌ی جفاکاران اجبر شده قرار می‌گیرد. در عین حال علیرغم این که بیش از

بهدنیال تهاجمات بی دربی به خانگی هواداران و غارت و تخریب آنها و تهدید و ارباب خانواده‌ی آنان و کسانیکه به هواداری مجاهدین متهم شده‌اند، تا کتون دو خانواده برای همیشه و هشت خانواده "دو تن" تربیت حیدریه را ترک کرده‌اند. این مهاجرت‌ها به دلیل آست که هیچ امنیت و آسایشی در شهر برای آنان وجود ندارد و هیچ مقام نظامی و

های خودش نباید نمی‌فهمد، در دوری قبلی واقعا" این قدر مادرهای ما تحت فشار نبودند. هرچقدر که از رژیم و گارد و کمینه و ... فشار بود. از طرف مردم محبت و صمیمیت بود. حالا اینها کاری کرده‌اند که آدم می‌فهمد که چطور لگد به پهلوی فاطمه رهرا زدند و از ج بلائی سر حضرت زینب آوردند." در اینجا یکی از مادران بقیه درصفحه

ممنون باشد و گرنه با باید شهر را ترک کنند و با باید حملات ما را به جان بخرند. ... هواداران و خانواده‌ی آنها حتی امکان پی‌گیری شکایاتشان را ندارند. اگر کسی به محل دادستانی انقلاب یا سپاه پاسداران و یا سایر مقامات رسمی مراجعه کند، بهنگام بیرون آمدن از محل، مورد حمله‌ی جفاکاران اجبر شده قرار می‌گیرد. در عین حال علیرغم این که بیش از

بهدنیال تهاجمات بی دربی به خانگی هواداران و غارت و تخریب آنها و تهدید و ارباب خانواده‌ی آنان و کسانیکه به هواداری مجاهدین متهم شده‌اند، تا کتون دو خانواده برای همیشه و هشت خانواده "دو تن" تربیت حیدریه را ترک کرده‌اند. این مهاجرت‌ها به دلیل آست که هیچ امنیت و آسایشی در شهر برای آنان وجود ندارد و هیچ مقام نظامی و

بهدنیال تهاجمات بی دربی به خانگی هواداران و غارت و تخریب آنها و تهدید و ارباب خانواده‌ی آنان و کسانیکه به هواداری مجاهدین متهم شده‌اند، تا کتون دو خانواده برای همیشه و هشت خانواده "دو تن" تربیت حیدریه را ترک کرده‌اند. این مهاجرت‌ها به دلیل آست که هیچ امنیت و آسایشی در شهر برای آنان وجود ندارد و هیچ مقام نظامی و

بیتجاهر صحتی اول در فاجعه‌ی حمله به انجنین جوانان مسلمان تربیت حیدریه منازل هواداران چماق‌داران اقوام و حشای مغول و تاتار را سفید کردند! بطور بوقت از شهر هجرت کرده‌اند. سردمداران جانی و مزدور این چماق بدستان گفته‌بیروند که هواداران مجاهدین و خانواده‌هایشان یا بایستی از عقاید خود توبه کنند و یا شهر را ترک نمایند. چندی پیش خبر یکی از ددمنشان‌ترین حملات جفاکاران بود، اخیراً که مربوط به فاجعه‌ی هجوم وحشیانه‌ی اوپاش چماق‌داران - انجنین جوانان مسلمان تربیت حیدریه و خانه‌های مسکونی مردم و هواداران در این شهر بود و به مجروح شدن بیش از ۵۰ تن از هواداران مجاهدین منتفی گردید، در "مجاهد" (شماره‌های ۸۵ و ۸۶) می‌دهد که حسین تکبلی‌زاده و ۳ تن از دوستانش که هر سه در آتش‌سوزی از بین رفته‌اند، تنها نبوده‌اند و فقط مجریان طرحی بوده‌اند که از جانب کسان دیگری تهیه شده بود. در حقیقت ما حسین و دوستانش را به شکل یک جریان می‌بینیم که مسئولین امور ترس از افشای آن جریان دارند، در این رابطه مدارک مستندی هست دل بر ارتباط حسین تکبلی‌زاده و دوستانش. اینجا لازم است این نکته را یاد کنیم که حسین را به نحوی مثلا" اعدام کنند و برپونده را هم ببندند، که تا کتون موفق نشده‌اند و به تازگی حتی شنیده‌ایم که حسین در زندان ممنوع‌الملاقات شده و شدیداً هم تحت فشار و حتی شکنجه قرار گرفته است در صورت مدینه به اصطلاح مجبور به سازش شود و مطالب باب طبع خودشان را بگویند که تاجایی که ما خبر داریم، حسین هنوز مقاومت می‌کند و خودنیز خواهان یک دادگاه علنی شده، موافق که چند وقت پیش چند تن از مادران می‌خواهند که حسین را محاکمه‌ی علنی کنند، می‌گویند که اگر حسین را محاکمه‌ی علنی کنیم، ممکنست

بهدنیال تهاجمات بی دربی به خانگی هواداران و غارت و تخریب آنها و تهدید و ارباب خانواده‌ی آنان و کسانیکه به هواداری مجاهدین متهم شده‌اند، تا کتون دو خانواده برای همیشه و هشت خانواده "دو تن" تربیت حیدریه را ترک کرده‌اند. این مهاجرت‌ها به دلیل آست که هیچ امنیت و آسایشی در شهر برای آنان وجود ندارد و هیچ مقام نظامی و

